

جریان‌شناسی گروه‌های تکفیری انحرافی در اسلام

حسن جعفری^۱

کارشناسی‌ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) شهر ری

محمد بهرامی خوشکار^۲

دانشیار دانشگاه شهید مطهری (ره)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۶

چکیده

برخی گروه‌های معارض اسلامی با شعار به ظاهر حق‌پرستانه توحیدی، جنایات غیر انسانی مرتکب می‌شوند و غیر خود را کافر می‌پندارند، در حالی که آنها با وجود ادعای مسلمانی خود در عمل کافر هستند. اینها عامدانه و عالمانه به امر تکفیر و کشتن غیرمفکران خود اقدام می‌کنند. با توجه به جریان‌شناسی گروه‌های معارض اسلامی بر همه مسلمانان لازم است که در مقابل چنین تفکری بایستند؛ زیرا در عصر حاضر مخالفان با دست‌آویز قرار دادن این تفکر به شبهه‌افکنی و معرفی اسلام به عنوان دین خشونت پرداخته‌اند. اصول حاکم بر مبانی فقهی جهاد در اسلام، به ارائه فرهنگ صلح جهانی منجر می‌شود و عملیات جنگی گروه‌های معارض جهاد محسوب نمی‌شود. علمای اهل تسنن و شیعه همه اتفاق نظر دارند که امر تکفیر خارج از مبانی اسلامی و مضر به حال مسلمانان است و همه مسلمانان باید علیه چنین توطئه‌ای که جامعه اسلامی را دچار مشکلات کرده است، اقدامی مناسب کنند؛ زیرا تحرکات تکفیری و عملیات جنگی گروه‌های معارض اسلامی توطئه‌ای است از سوی بیگانگان که هدف اصلی آن ایجاد تفرقه بین مسلمانان و زشت جلوه دادن چهره اسلام با کارهای وحشیانه‌ای است که این امر هیچ‌گاه در تاریخ سابقه نداشته است.

واژه‌های کلیدی: اسلام، صلح، جهاد، گروه‌های معارض، مذهب.

1. Hjk_1356@yahoo.com

2. mohammad_bahramikhoshkar@yahoo.com

در حوزه امنیت فردی، خداوند در سوره مائده آیه ۳۳ کشته شدن نابه‌حق مسلمانی را برابر با کشتن همه افراد جامعه و از بین رفتن حیات اجتماعی دانسته است و حیات جامعه اسلامی را در اجرای حکم قصاص قرار داده و در حوزه امنیت اجتماعی نیز سخت‌ترین مجازات را از بین حدود الهی برای محارب و برهم‌زننده امنیت وضع فرموده است. گروه‌های معارض در سال‌های اخیر از عوامل زوال امنیت بوده و صدمات جبران‌ناپذیری را به پیکر اجتماع وارد کرده‌اند. گروه‌های معارضی که اکنون امنیت بیشتر جوامع اسلامی را به خطر انداخته و بعضاً آن جوامع را تا مرز نابودی پیش برده‌اند، از نوع گروه‌های معارض مذهبی هستند. استکبار جهانی از بستر آماده بعضی فرق اسلامی نهایت سوء استفاده کرده و با تفرقه‌افکنی و عمیق کردن شکاف مذهبی جنگ خانمان‌سوز فرقه‌ای را به ملت‌های مسلمان تحمیل کرده است. بنابراین، شناخت مبانی فقهی این گروه‌ها در تجدید نظر و نگرش نهایی بسیار مثمر ثمر خواهد بود.

اسلام ناب این ظرفیت را دارد که با تبیین نظر خود نسبت به ریشه‌کن کردن تفکرات گروه‌های معارض انحرافی در کشورهای اسلامی اقدام کند و همچنین با تعریف مفاهیم بین‌فرقه‌ای مذاهب اسلامی مثل دفاع و جهاد راه را برای مبارزات رهایی‌بخش گروه‌های جهادی که در اقصی نقاط جهان اسلام به مبارزه با ظلم و کفر و اشغال‌گری مشغول هستند هموار کند و نیز با شفاف کردن ماهیت واقعی اختلافات مذهبی از گسترش گروه‌های معارض مذهبی جلوگیری کند. فقه در اینجا به مثابه خاستگاهی است که ریشه‌های جهادگرایی و همچنین گسترش گروه‌های معارض را در بین مسلمانان تبیین می‌کند تا بنیادگرایی اسلامی با گروه‌های معارض و گروه‌های جهادی با گروه‌های تروریستی اشتباه نشوند؛ زیرا جهاد در انواع گوناگون جدا از اینکه جزء فروع دین مبین اسلام است، در مقام پشتیبان جامعه اسلامی نیز است. در این پیکره، گروه‌های معارض از دریچه درونی فقه بررسی و چهارچوب احکامش سنجیده می‌شود تا رفتارهای تهدیدآمیز در جامعه اسلامی مشخص شوند.

جریان‌شناسی گروه‌های معارض اسلامی

سه ضلع را می‌توان برای جریان تکفیر تصور کرد:



ضلع نخست آمریکا است. آمریکا در این شرایط پروژه‌های را تحت عنوان «اسلام ضد اسلام»^۱ به وجود آورده است. یعنی مسلمانان را به شدت به جان هم انداخته است. آمریکا می‌داند که سرعت رشد اسلام از دهه ۱۹۷۰ به بعد در اروپا بسیار زیاد شده است، حتی بیشتر از مسیحیت و این مطلب را بسیاری از دانشمندان اروپایی و امریکایی نیز اعلام کرده‌اند. پس برای اینکه جلوی رشد اسلام را بگیرد، چاره‌ای جز اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی ندارد. آمریکا برای این اسلام‌ستیزی روش‌های مختلفی را آزمایش می‌کند که اهم آنها جریان‌ات تکفیری انحرافی است.

ضلع دوم خود تکفیری‌های انحرافی هستند. باید کاملاً با تفکرات آنها آشنا شویم تا بتوانیم بین تفکرات باطل و حق تمایز قائل شویم.

ضلع سوم جریان‌های تکفیری انحرافی شیعی هستند. این جریان‌ها به دامن زدن شرایط و تحریک اهل سنت و سلفی‌ها و متحد کردن دشمن دامن می‌زنند.

باید بدانیم امروزه عنان جریان‌های سلفی دست توده‌ها و آدم‌های بی‌سواد افتاده است و متأسفانه افراد جاهل سردمداری این گروه‌های معارض را بر عهده می‌گیرند. ادامه بحث به بررسی جریان‌شناسی سه گروه سلفیه، داعش و وهابیت پرداخته می‌شود.

۱. جریان‌شناسی سلفیه

سلفیه عنوان عمومی افراد یا فرقه‌هایی از مسلمانان متجدد به‌ویژه در مصر و هندوستان است. هدف ایشان پیروی از «سلف صالح (پیشینیان نیکوکار)» است و مسلمانان را از آنچه خرافات و بدعت متأخران می‌خواستند تحذیر می‌کنند.

تاریخچه این حرکت همان‌طور که در ادامه توضیح داده خواهد شد، در مسیر یک حرکت اصلاحی قرار دارد که از همان قرن اول هجری و در جهت اصلاح امت اسلامی در زمان امام علی (ع) شروع شده است و با حرکت و ظهور محمد بن عبدالوهاب تا قرن هجدهم و نوزدهم ادامه دارد. اگر بخواهیم به طور خاص جنبش سلفی‌گری را در مقطع زمانی خاص بررسی کنیم، باید بیشتر به حوادث قرن چهارم هجری توجه کنیم. داعی و مروج آن شیخ محمد رشید رضا (شاگرد عبده) بود و همین‌طور از ابن تیمیه

1. Islam Anti Islam



هم می‌توان نام برد. بنابراین، نوعی تجدد در مذهب حنبلی و وهابی است و پیروان آن معتقد بودند قطع نظر از صنایع و فنون جدید مسلمانان، نباید چیزی از فرنگی‌ها اقتباس کنند. آرمان سلفیه موضوع بازگشت یا رجوع به اصول نخستین در ادبیات اصلاحی همه جا حاضر است. اشاره مداوم به اوایل اسلام یکی از ویژگی‌های عمده نهضت سلفیه است و از همین جا است که پژوهشگران اصلاح‌گران سلفیه را گاه به اعتیاد به گذشته متهم کرده‌اند. نیاز به بازگشت به اصول نخستین در این نهضت اصلاحی با استدلال‌های فقهی و تاریخی هر دو تأیید شده است. به اعتقاد سلفیان برای رسیدن به قدرت و عظمت گذشته اسلام، باید اعتقادات را به همان صورت اصیل و خالص دریافت (خان احمدلو، ۱۳۸۴).

• سپاه صحابه و لشکر جهنگوی نماینده افکار افراطی سلفی‌گری

در سال ۱۹۸۵، مولوی حق‌نواز جهنگوی گروهی تکفیری از مدارس مذهبی متعلق به فرقه «دیوبندیه» در پاکستان به نام سپاه صحابه را تأسیس و هدف خود را مقابله با شیعیان و عزاداری حضرت سیدالشهدا اعلام کرد و به جنگ روانی، ترور و ارهاب شیعیان و تخریب اماکن دینی متعلق به آنان دست زد. این گروه تندرو با تأسیس شاخه نظامی به نام «لشکر جهنگوی» تشکیلات خود را برای طی مسیر تعیین شده تکمیل کرد.

• پیشینه فکری سپاه صحابه

پیشینه سپاه صحابه به فرقه‌ای به نام «دیوبندیه» در شبه قاره هند برمی‌گردد. دیوبندیه از فرقه‌های سلفی شبه قاره هند است که در فقه حنفی است، در کلام ماتریدی و درعین حال متأثر از فرقه‌های صوفی و افکار شاه ولی‌الله دهلوی است و با تأسیس «دارالعلوم» در دیوبند هند در استان اوترپرادش شکل گرفت. دارالعلوم مکتب دیوبند در سال ۱۸۵۷ با تلاش ملا قاسم نانوتوی با پانزده شاگرد به منظور بازیابی هویت اسلامی تأسیس شد (ابن تیمیه، بی تا). در سال ۱۹۴۱، ابوالاعلی مودودی «حزب جماعت اسلامی» را با گرایش نوسلفی و هم‌گرا با اخوان المسلمین مصر در پاکستان به منظور بازگشت به اسلام اصیل تأسیس کرد (مشیر، ۱۳۶۷: ۱۵).

در همین جهت مولوی حامدگیا «جمعیت علمای اسلام» را در پاکستان بنیان گذاشت و مولوی فضل‌الرحمن از اعضای فعال آن در حال حاضر رهبری آن را به عهده دارد (همو، ۸۷).



بر اثر تعالیم فضل الرحمن، گروه تندرو سپاه صحابه و شاخه نظامی آن، لشکر جهنگوی (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹: ۱۰۱) برای ضدیت میدانی با شیعیان و در کنار آنها سپاه محمد و لشکر طیبه برای آزادی کشمیر از یوغ هندوستان به وجود آمد و از افکار فرد دیگر این جماعت به نام مولانا سمیع الحق گروه طالبان شکل گرفت و در جنگ افغانستان در زمان اشغال شوروی علیه آنها به اصطلاح وارد جهاد شد (پاکتچی و هوشنگی، ۱۳۹۰: ۶۷۸). بنابراین، پدر معنوی سپاه صحابه، رهبر جمعیت علمای اسلام، مولوی فضل الرحمن است که افکار او ریشه در جمعیت علمای هند از فرقه دیوبندیه دارد (نوروزی، ۱۳۸۲).

جمعیت علمای اسلام مدارس مذهبی فراوانی در پاکستان دارد که دهها هزار طلبه دینی در آنجا مشغول تحصیل هستند. این مدارس از مراکز مهم آموزش تفکر مکتب دیوبندی هستند (احمد رشید، ۱۳۷۹: ۵۲). این مدارس از زمان ژنرال ضیاء الحق گسترش یافت. (جمعیتی از پدیدآورندگان، ۱۳۸۹: ۲۴۱) در مجموع، تمام رهبران سپاه صحابه و لشکر جهنگوی از مدارس مذهبی دیوبندی پاکستان فارغ التحصیل شده‌اند (همان: ۲۴۲).

• تأسیس سپاه صحابه

گروه سپاه صحابه در ششم سپتامبر ۱۹۸۵ با تلاش یک روحانی سنی متعصب به نام «مولوی حق‌نواز جهنگوی» در شهر جهنگ از توابع ایالت پنجاب، به فاصله حدود پنج سال بعد از انقلاب اسلامی در ایران تأسیس شد (جمالی، ۱۳۹۰: ۶۸). در زمان ریاست اعظم طارق، نظامیان طالبان گروه سپاه صحابه را حمایت می‌کردند و اعظم طارق نیز حمایت خود را از رهبر گروه طالبان اعلام می‌کرد و به شدت با قوانینی همچون تحریم تلویزیون و سینما موافق بود. اعظم طارق متهم است که حدود ۱۰۳ مورد رهبری ترور مقامات شیعیان را به عهده داشته است. درآمد سپاه صحابه گاه از ناحیه سنی‌های افراطی و ثروتمندی که در عربستان سعودی و خلیج فارس بودند و گاه از ناحیه جریان‌های داخلی تأمین می‌شود.

در حال حاضر، در رأس این گروه دو روحانی تندرو به نام‌های مولوی احمد و مالک محمد اسحاق قرار دارند و عملیات افراطی علیه شیعیان را رهبری می‌کنند. به هر حال، نام سپاه صحابه و لشکر جهنگوی یادآور خشونت‌ها و کشتارهای بی‌رحمانه حتی در مساجد و در میان نمازگزاران است که در جای‌جای کشور پاکستان واقع می‌شود (www.avapress.com/) (vdcj8vei.uqehtzsfu.html).



• تفکرات و عقاید

لشکر جهنگوی اساساً یک گروه تکفیری است؛ بدین معنا که هر فرد یا گروهی را که نگرشی متفاوت با نگرش این گروه به اسلام داشته باشد، کافر می‌پندارد. این تفکر باعث شده است اعضای این گروه به راحتی قتل عام مخالفانشان به ویژه شیعیان را برای خود توجیه کنند. به باور آنها شیعیان کافرند و سه راه بیشتر ندارند. یا دست از مذهب خود بردارند و مسلمان شوند یا ماهیانه مبلغی ثابت جزیه بپردازند یا از محل سکونتشان کوچ کنند (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

انتساب شیعیان به کفر و شرک و بدعت‌گذاری از سوی سلفی‌های افراطی به پیشینه تفکر رهبران فکری آنها از قبیل:

ابن تیمیه و بازتولیدکنندگان اندیشه وی، یعنی مشایخ وهابی نجد و دیوبندی شبه قاره هند برمی‌گردد؛ ابن تیمیه در شیعه‌هراسی و شیعه‌ستیزی الهام‌بخش گروه‌های افراطی است. تحت تأثیر این گونه تعلیمات، به طور سنتی لشکر جهنگوی به شیعیان، احمدی‌ها و بریلوی‌ها (از فرقه‌های اهل تسنن) حساسیت ویژه‌ای دارد و به قتل پیروان این سه گروه می‌پردازد. آنها همچنین فعالان گروه‌های مخالف، مقامات دولتی و شهروندان مهم غیر دیوبندی از جمله پزشکان، تجار و اندیشمندان را نیز در فهرست سیاه خود قرار می‌دهند و گاه به این افراد نیز حمله می‌کنند (titre1.ir/fa/news/8901).

لشکر جهنگوی بارها به عبادت‌گاه‌های شیعیان و سایر فرقه‌های غیر دیوبندی در پاکستان حمله کرده و از طرفی در سال ۱۹۹۹ نیز اقدام به ترور نواز شریف، نخست‌وزیر سنی مذهب کشور، کرده است. همچنین در پرونده این گروه، چند فقره سوء قصد به دیپلمات‌ها، شهروندان و اماکن متعلق به جمهوری اسلامی ایران در پاکستان دیده می‌شود (www.avapress.com/vdcj8vei.uqehzsfu.htm).

۲. جریان شناسی داعش (دولت اسلامی عراق و شام)

با سقوط رژیم صدام و حضور نیروهای امریکایی در عراق، شاخه‌های متفاوتی از القاعده در عراق سازماندهی شدند که برجسته‌ترین آنها «جماعت انصار الاسلام» بود که پیش از آن به نام «الاصلاح» شناخته می‌شد و کسانی مانند ابومصعب زرقاوی و برخی دیگر از عناصر القاعده را که از افغانستان به عراق رفته بودند، در خود جای داده بود. این شاخه تروریستی



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت‌دراسات العالم الاسلامی

۳۲

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

القاعده توسط «ملا فاتح کریکار» در دسامبر ۲۰۰۱ در شمال عراق (کردستان) و با همکاری و مشورت مقامات القاعده تأسیس شد.

زرقاوی در نتیجه اختلاف نظری که با سران جماعت انصارالاسلام داشت و با روحیه رهبری که در خود می‌دید، گروهی دیگر را متشکل از حامیان خویش تشکیل داد و نام «جماعت التوحید و الجهاد» را بر آن گذاشت که به شاخه اصلی القاعده در عراق مبدل شد و با اعلام بیعت با بن‌لادن در سال ۲۰۰۴ با نام «القاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» مشهور شد (<http://www.dinitaybad.blogfa.com/1393/04/2>).

داعش محصول مستقیم مکتب‌های فکری تندرو اسلامی و زندان‌های امریکا است. رهبر داعش نام خود را بغدادی برگزیده؛ زیرا تأکیداً می‌خواسته بگوید عراقی است. او در سال ۲۰۰۹ آزاد شده است و با نفوذ در لایه‌های مدیریتی به «ابوعمر البغدادی» می‌رسد. بغدادی در سراسر فرایند نیل به رهبریت گروه، از اهرم فشار بهترین بهره را می‌برد و در نهایت استان الانبار را از آنجاکه شیوخ قدرتمند سنی آنجا حامی او هستند، به عنوان مقصد انتخاب می‌کند. الانبار امن‌ترین مکان برای طرح‌ریزی عملیات و استراتژی‌های نظامی گروه داعش است (<http://www.dinitaybad.blogfa.com/1393/04/2>).

داعش را باید مجموعه پیچیده‌ای دانست که با خطوط سرویس‌های اطلاعاتی عربستان و اسرائیل فعالیت دارند و هدف اصلی، مقابله با تقاطع شیعه و ایران است. در این میان اسرائیل و عربستان بیش از همه پیشینیان این اقدامات هستند. ریشه داعش به عربستان سعودی برمی‌گردد که در دهه‌های گذشته وقتی امریکا در افغانستان با روس‌ها درافتاده بود، از ظرفیت عربستان استفاده کرد، هم برای مبارزه با نظام طرف‌دار روسیه و هم مقابله با سربازهای روسی. بنابراین، داعش فرقه‌ای با ریشه‌های بعثی و سلفی است که با سرویس‌های اطلاعاتی عربستان و اسرائیل همکاری دارد (نظریه اساتید برجسته دانشگاه؛ استاد مرنندی و متقی: [http://www.terror-victims.com/fa/index.php?Page=-:-\(definition&UID=9171373](http://www.terror-victims.com/fa/index.php?Page=-:-(definition&UID=9171373)).

۳. جریانشناسی وهابیت

وهابیت به‌عنوان جنبش اسلامی، انشعابی از مذهب حنبلی، یکی از مذاهب چهارگانه



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

اهل سنت است که افکار نادر آنان با هیچ‌یک از سایر مذاهب اسلامی اعم از سنی و شیعه سازگاری ندارد.

• پیشینه اندیشه وهابیت (رهبران)

الف) خوارج

در تاریخ سیاسی اسلام، حوادث و رویدادهایی وجود دارد که پس از گذشت بیش از هزار سال همچنان برای مسلمانان و حتی غیرمسلمانان موضوعات قابل توجهی دربردارد. شکل‌گیری و پیدایش جریانی که در تاریخ اسلام به «خوارج» معروف شدند، از جمله این موارد است که بی‌تردید بازخوانی و بررسی همه‌جانبه ماهیت آن می‌تواند در تعمیق شناخت و آگاهی شیعیان و مسلمانان بسیار مؤثر باشد و حتی در برخی شرایط، شناخت این جریان از استراتژیک‌ترین مسائل حکومت اسلامی تلقی می‌شود.

اندیشه وهابی در گناه قلمداد کردن اعمال حسنه مسلمانان، به خاطر ارتکاب به گناه و مباح دانستن خون و اموال آنها، دشمنی سخت با علی (ع) و خاندانش، اخذ به ظاهر الفاظ قرآن بدون رعایت تفسیر، کوشا بودن در عبادت و تقدس ظاهری، کافر پنداشتن بقیه مسلمانان به‌جز خودشان، تراشیدن سرهای خود و همه چیز را مستقیم با خدا مرتبط دانستن، شرک دانستن دعا، شفاعت، توسل، ترس و غیره خلاصه می‌شود (خان احمدلو، ۱۳۸۴: ۱۱).

معمولاً ریشه جهالت مؤثرترین عامل شکل‌گیری خوارج است و اساساً این گروه بر اساس جهل شکل گرفته‌اند. البته باید بین رؤسای خوارج با افراد عادی فرق قائل شد، چه بسا افراد عادی جهل به حقیقت دارند و مسائل را متوجه نمی‌شوند، اما رؤسای آنها نوعاً به خاطر امیال و شهوات نفسانی و پیمان‌هایی که مستقیم یا غیرمستقیم با دشمن دارند، از روی علم و عمد، طرح مکتب گونه‌ای را پی‌ریزی می‌کنند و مردم عوام و جاهل در اثر جهل به دنباله‌روی از ایشان پردازند؛ زیرا ممزوج شدن حق و باطل در دنباله‌روی این تفکر بسیار مؤثر است. شعار «لا حُکْمَ الاَ لِلّٰهِ» خوارج، شعار حق‌پسندانه‌ای بود و این شعار با ذوق مذهبی مردم سازگار است، اما این گروه در عمل قساوت را به جایی می‌رساند که انسان از شنیدن آن متحیر می‌ماند. مثلاً در یک جا وقتی یکی از صحابه پیامبر (ص) به محاصره آنها درآمد،



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۳۴

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

شکم همسر باردار او را دریدند و فرزند او را بیرون آوردند و کشتند. در جایی دیگر، وقتی یکی از افراد خود می‌خواست از میوه درختی که از دیوار باغ مردم به بیرون متمایل بود و حق‌المارہ محسوب می‌شد، بخورد، مورد اعتراض قرار دادند که در یک جا خون مردم بی‌گناه را می‌ریزند و در جایی دیگر از خوردن میوه‌ای که در مسیر راه قرار گرفته است، ممانعت می‌کنند.

وقتی حضرت علی(ع) افراط و تفریط‌های این گروه را مشاهده کردند، ابتدا آنها را به حقیقت دعوت کردند و زمانی که برای همگان روشن شد دعوت به حق در خوارج اثر نمی‌کند، همه آنها را از دم تیغ گذراند. بعد فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ! فَإِنِّي فَقَأْتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَلَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِيَّ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غِيْبَهُبْهَا وَاشْتَدَّ كَلْبُهَا. أَيُّ مَرْدَم! أَيُّ مَن بُوْدَم كَه چشَم فِتْنَه رَا دَر آوْرْدَم وَ كَسِي جَز مَن جَرِئْت چنين كاري رَا نداشت. آن‌گاه كه امواج تاريك فتنه در همه جا گسترده و به آخرين درجه شدت رسيده بود» (<http://makhateritakfir.com/fa/>) /Mosahebe/View/2041، بيانيه آيت‌الله گرامي، كنگره جهاني جريان‌هاي افراطي تكفيري از ديده‌گاه علمای اسلام).

ب) احمد بن حنبل

از علمای اهل حدیث كه با استدلال عقل مخالف بوده است. تمسك شديد به شیوه سلفیه، حرام دانستن علم كلام و توجه به ظاهر الفاظ قرآن و سنت نبوی و هرگونه پرسشی را بدعت می‌دانست.

ج) ابن بطه

عبدالله بن محمد معروف به ابن بطه حنبلی بود و زیارت و شفاعت پیغمبر را انكار كرد و سفر برای زیارت را حرام دانست و اعتقاد داشت شخص زائر به دلیل معصیت باید نماز را كامل به جا آورد (خان احمدلو، ۱۳۸۴: ۱۲).

یکی از مهم‌ترین عقاید وهابیان، گسترش دامنه تکفیر مسلمانان، کافر دانستن همه مسلمانان به‌جز خودشان كه برگرفته از عقاید خوارج است. شیخ محمد بن عبدالوهاب خود را پیرو سلف صالح دانسته و ادعا کرده است كه می‌خواهد بدعت‌ها را از بین ببرد و مسلمانان را امر به معروف و نهی از منکر كند.

سلف صالح شامل سه نسل نخست مسلمانان صحابه، تابعین و تابعین تابعین



هستند. پیروان سلف صالح با مباحث عقلی و منطقی مخالف هستند، اما سلفیه‌های بعدی مانند عبده، سلفیه در پاکستان و پیروان عرفان و تصوف نیز خود را پیروان سلف صالح دانسته، ولی با عقاید وهابیت کاملاً مخالف هستند.

مستر همفر جاسوس انگلیسی که شناخت مذهبی نسبت به اسلام داشت، عبدالوهاب را بهترین فرد برای ایجاد فرقه‌ای از اسلام که بتواند تفرقه در خاورمیانه (کشورهای اسلامی) به وجود آورد و باعث یک جنگ دائمی در بین آنان شود یافت. طرح شش ماده‌ای که به عبدالوهاب برای رسیدن به هدف خود داد، عبارت است از:

۱. تکفیر همه مسلمانان و مباح بودن خون هرکس که وهابیت را نپذیرد.
 ۲. خراب کردن کعبه به دلیل اینکه زمانی جایگاه بت‌ها بوده است.
 ۳. سرپیچی از فرمان عثمانی و جنگ با آنان.
 ۴. خراب کردن گنبدها، حرم‌ها و مکان‌های زیارتی در مکه و مدینه و سایر شهرهای مسلمانان، به بهانه مظهر شرک بودن.
 ۵. انتشار استبداد ترس و اغتشاش در شهرها و مناطق اسلامی.
 ۶. قرآنی باید منتشر کرد که مقدار کم یا زیادی از احادیث در آن درج شده باشد که هدف آنها: - معرفی اسلام به عنوان یک دین بی‌روح، خشک و مرتجع (القاعده و طالبان در افغانستان)؛
- گرویدن مسلمانان سایر فرق به وهابیت تا از روح واقعی اسلامی دور شوند؛
- کوتاه کردن دست امپراتوری عثمانی از نجد و شبه جزیره عربستان (خان احمدلو، ۱۳۸۴: ۴۱).

• سرنوشت و افکار کنونی وهابیت

با روی کار آمدن آل سعود، با دو نیرو مواجه بودند؛ یک زمام‌داران دینی در نجد که با هرگونه پدیده تازه‌ای (تلگراف، تلفن، خودرو و غیره) مخالف بودند و دوم، موج تمدنی جدید که باید در عقاید دینی تعدیل ایجاد می‌کردند تا بتوانند دلارهای نفتی را خرج کنند. به این ترتیب، نو وهابیت شکل گرفت.

وهابیت مدرن با حمایت‌های امریکا به عنوان آلترناتیو انقلاب ایران مطرح شد. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، امریکا احساس کرد دیگر ممکن است طالبان و وهابیت برای آنها



مشکل ساز شوند، پس «نقشه راه» و «خاورمیانه جدید» را مطرح کرد، به نظر می‌رسد این جنبش که با حمایت استعمار انگلستان رشد کرد و با حمایت‌های امریکا به حیات خود ادامه داد، دیگر برای آنها مصرف نداشته و آل سعود نیز خواستار جدا کردن خود از این ایدئولوژی بوده و چنانچه فرصت لازم را به دست آورد، به این امر اقدام خواهد کرد (<http://www.al-shia.org/html/far/books/maqalat/adyan/41.htm>. خان احمدلو، ۱۳۸۸).

فرهنگ وهابیت براساس تکفیر فرق اسلامی، ایجاد تفرقه میان مسلمانان و خشن جلوه دادن تعالیم اسلام، محو آثار رسالت وحی، سازش با تمام جباران و مستکبران حتی امثال «یزید بن معاویه» استوار است.

«عباس محمود عقاد» می‌گوید: «بزرگ‌ترین مخالفان «شیخ محمد» برادرش شیخ «سلیمان» صاحب کتاب الصواعق الالهیه است. «عقاد» همچنین گفته است که شیخ «سلیمان» برادر «شیخ محمد» که از بزرگ‌ترین مخالفان او بود، در ضمن اینکه سخنان برادرش را به شدت رد می‌کند، می‌گوید: «اموری که «وهابیان» آن را موجب شرک و کفر می‌دانند و آن را بهانه مباح شدن مال و جان مسلمانان می‌پندارند، در زمان ائمه اسلام به وجود آمده بود، ولی از هیچ‌یک از ائمه اسلام شنیده و روایت نشده است که مرتکبان این اعمال را کافر یا مرتد بدانند و دستور جهاد با آنان را داده باشند یا اینکه بلاد مسلمانان را همان‌گونه که شما می‌گویید بلاد شرک و دارالکفر نامیده باشند.»

در پایان باید دانست که «شیخ محمد بن عبدالوهاب» مبتکر و آورنده عقاید «وهابیان» نیست، بلکه قرن‌ها قبل از او این عقاید به صورت‌های گوناگون از افرادی مانند «ابن تیمیه» و شاگرد او «ابن القیم» اظهار شده بود. وقتی ابن تیمیه عقاید خود را آشکار ساخت و در این زمینه کتاب‌هایی را منتشر کرد، از طرف علمای اسلام و در رأس آنان علمای اهل سنت به جهت جلوگیری از انتشار فساد، دو کار صورت گرفت:

الف) نقد عقاید و آرای او.

ب) مراجع فتوی در عصر او از اهل تسنن به تفسیق و گاهی به تکفیر او برخاسته و بدعت‌گذاری او را فاش ساختند. وقتی عقاید او را درباره زیارت پیامبر(ص) به قاضی القضاة مصر «البدرد بن جماعه» نوشتند، وی در زیر ورقه نوشت:



«زیارت پیامبر(ص) فضیلت و سنت است و همه علما بر آن اتفاق نظر دارند. آن کس که زیارت پیامبر(ص) را حرام می‌داند، باید نزد علما توییح شود و از ابراز چنین گفتاری باز داشته شود و اگر مؤثر نیفتاد، زندانی و معرفی شود تا مردم از او پیروی نکنند. نه تنها قاضی القضاة فرقه شافعی درباره او چنین نظر داد، بلکه قاضی القضاة سه مذهب دیگر در کشور مصر نیز هر کدام به گونه‌ای نظر او را تأیید کردند.

مهم‌ترین عامل توان‌بخش در تکفیر مسلمانان عصر حاضر را می‌توان در دیدگاه ابن تیمیه و خوارج جست و از سال ۶۹۸ به بعد به نشر افکار خود پرداخت و چیزی نگذشت که آرای وی به وسیله دانشمندان و محققان معاصر خود مورد انتقاد قرار گرفت. مناظرات علما با وی سبب شد اندیشه‌هایش در انزوا قرار گیرد و نتواند حرکت چشمگیری را پدید آورد و افکار وی جز در لابه‌لای کتاب‌های او و نوشته‌های شاگردش ابن قیم الجوزیه (۷۵۱-۶۹۱) در جایی به چشم نخورد. اما با مرور چهار قرن، بار دیگر محیط اسلامی با افکار او روبه‌رو شد؛ زیرا محمد بن عبدالوهاب نجدی (۱۲۰۶-۱۱۱۵) به تجدید حیات این مکتب پرداخت و به اشاعه آن همت گمارد. در این قسمت از پشتیبانی خاندان آل سعود برخوردار شد، ولی در عین حال، فقط محیط نجد با اندیشه‌های او آشنا شد و به نقاط دیگر سرایت نکرد.

پس از سقوط دولت عثمانی و روی کار آمدن آل سعود و سیطره بر مراکز مهمی مانند مکه و مدینه، بار دیگر این مکتب رو به گسترش نهاد. با پیدایش نفت و افزایش توان مالی دولت جدید، نویسندگان غیرمتعهد خریداری شدند و در اشاعه مکتب نقش بسزایی ایفا کردند. در مقابل موج وهابی‌گری، دانشمندان سنی و شیعه در عراق و شام و مصر به وظیفه خطیر خود قیام کردند و به نقد این مکتب پرداختند (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۰-۱۳).

پیامبر(ص) با تلاش‌های بی‌وقفه خود پیوند اخوت در میان منادیان توحید پدید آورد و همگان را در مقابل کفر جهانی بسیج کرد. مسلمانان در پرتو «کلمه توحید» و «توحید کلمه» توانستند در برابر ضربات سهمگین صلیبیان و قساوت‌های ثنویان (مغول) ثابت و استوار بمانند، تا آنجاکه دشمن را به کیش خود وارد سازند و از دشمن خونخوار مروجی برای آیین خود تربیت کنند.

متأسفانه طرح مجدد افکار ابن تیمیه از سوی محمد بن عبدالوهاب همچون طرح آنها توسط خود ابن تیمیه در شرایط و اوضاع تاریخی بسیار نامناسبی صورت گرفت که از جهاتی

شاید بتوان گفت سخت‌تر و ناگوارتر از اوضاع ابن تیمیه بود. گویی اساساً وضع این افکار، برای ایجاد شکاف و اختلاف میان مسلمانان، آن‌هم در بدترین اوضاع و شرایط تاریخی بود! نکته بسیار عجیب و هضم‌ناشدنی در این کار، جریان فتوای محمدبن عبدالوهاب (به‌عنوان یک فقیه مسلمان) به تکفیر مسلمانان جهان و تشویق و تحریض پیروان خویش به قتل و غارت فجیع آنان به اتهام شرک و بت‌پرستی است که صحنه‌های جان‌گدازی در طی دو قرن اخیر پیش آورده است، چنین فتوایی در بین پیروان الهی کمتر سابقه دارد.

وی در کتاب کشف الشبهات می‌نویسد: «کسانی که فرشتگان و پیامبران و اولیا الله را شفیع قرار داده و به وسیله آن نزد پروردگار تقرب می‌جویند، خونشان حلال و قتل آنان جایز است. خشونت و قساوتی که در ذات این مکتب نهفته و مظاهر آن ترورهای فجیع پاکستان و افغانستان است، بسیار دور از باور است (سبحانی، ۱۳۸۸: ۲۱).

بررسی تطبیقی اندیشه فقهای اهل تسنن، نسبت به گروه‌های معارض

برای شناخت بهتر نگاه مذاهب اهل تسنن به گروه‌های معارض یک واکاوی تاریخی مورد نیاز است که بستر فراهم شده برای شکل‌گیری گروه‌های معارض مذهبی واضح‌تر شود.

اهل تسنن از لحاظ فقهی به چهار گرایش و مذهب تقسیم می‌شوند:

- حنفیه که پیرو ابوحنیفه بوده و فتوای او را ماک فتوا در احکام شرعی می‌دانند.
- شافعیه که پیرو محمد بن ادریس شافعی بوده و از لحاظ فراوانی جمعیت بیشترین تعداد و گرایش‌ها را در میان اهل تسنن به خود اختصاص داده‌اند.
- حنبلیه که پیرو احمد بن حنبل هستند و اصطلاحاً اهل ظاهر و اهل حدیث خوانده می‌شوند و به ادعای خود اهل تسنن فقط حنبلیه هستند.
- مالکیه که از فتوای مالک بن انس تقلید می‌کنند.

۱. جایگاه عملیات جنگی در فقه اهل تسنن

سیر تحول فقهی فرق اهل تسنن نیز به دوره‌های مختلف زمانی تقسیم می‌شود که دوره چهارم این سیر از اواسط قرن هفتم آغاز و تا اواخر قرن سیزدهم هجری قمری ادامه داشت و در واقع ادامه دوره سوم بوده است که دوره رکود فقهی آنان است.

در این عصر، تفکر تقلیدی بسته حکم‌فرما بود و علما به جای پی‌جویی علل و مقاصد



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

شریعت در فقه، به صرف حفظ و قبول آنچه در کتاب‌های فقهی آمده بود، اکتفا می‌کردند و در اواخر این دوره، تفکر عامیانه جای اندیشه‌های علمی را نزد بسیاری از فقها گرفته بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

از مذاهبی که این دوره گسترش زیادی پیدا کرد، مذهب حنبلیه بود. این مذهب در ابتدا در بغداد ظهور کرده و سپس به شام هم رفت. امروز مذهب غالب اهل تسنن در عربستان، قطر، فلسطین و بحرین، مذهب حنبلی بوده و دارای فرقه‌های زیادی است که از مهم‌ترین آنها فرقه حشویه است. حشویه تنها فرقه‌ای است که پیروانش خود را به‌طور ویژه اهل تسنن می‌نامند. این فرقه فتنه‌انگیزترین فرقه تاریخ اسلام بوده و همچنان نیز نقش خود را به همان روال در قالب وهابیت و سلفیه ایفا می‌کند.

الف) قائلین به اصالت جنگ و تکفیر

عملکرد علمای اهل تسنن در بخش قابل توجهی از آنان در نقد و مقابله با تکفیری‌ها و اعلام برائت و فتوا به حرمت آنان قابل اعتنا بوده و اما آن‌طور که باید و شاید، در برابر گروه‌های معارض نایستادند. این فقدان معیار باعث بروز اختلافات بعضاً فاحش در احکام صادره درباره مجازات تروریست‌ها شده است و نوعی سردرگمی در میان آنها به چشم می‌خورد.

خلل حاصل از نداشتن خط‌مشی مشخص در استخراج احکام مبتلا به دینی به واسطه بسته بودن باب اجتهاد شرعی در فرق اهل تسنن درباره مسائل مستحدثه به‌ویژه گروه‌های معارض و عملیات جنگی آنها منجر شده تا دول سلطه‌گر برای خلع سلاح کردن امت اسلامی مفاهیم مقدس جهاد و شهادت را در ردیف گروه‌های معارض و عملیات تروریستی منظور کرده و با گروه‌های جهادی که برای آزادی و احقاق حقوق خود مبارزه می‌کنند، به مثابه گروه تروریستی برخورد کنند.

لازم به ذکر است، فقیهان اهل تسنن که به اصالت جنگ و تکفیر قائل هستند، می‌توان مذاهب ذیل را نام برد:

- مذهب حنبلی (امروزه در قالب وهابیت و سلفیه)

افرادی همچون موفق‌الدین ابن قدامه متوفای سال ۶۳۰ ق و صاحب کتاب المغنی، شمس‌الدین ابن قدامه مقدسی، متوفای سال ۶۸۲ ق و صاحب کتاب الشرح الکبیر که هر دو



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعیتة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۴۰

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

پیرو مذهب حنبلی بودند و نیز عبدالکریم زیدان قائل هستند:

«دولت اسلامی هیچ‌گاه دولت غیراسلامی را از جهت شرعی به رسمیت نمی‌شناسد؛ زیرا دولت غیراسلامی براساس اسلام پدید نیامده است. قانون و اهداف این دولت هم شرعی نیست. پس چنین دولتی از اساس باطل است، حال که چنین دولتی از اساس باطل و فاسد است، باید هرچه زودتر نابود شود و دولت جدید براساس اسلام پدید آید و زمام‌داران آن مسلمان و قانون آن اسلامی باشد. بر دولت اسلامی واجب است تا پذیرش حکومت اسلامی با دولت غیراسلامی مبارزه و جنگ کند» (ابوشبانه: ۶۲۱).

همان‌طور که گفتیم، این فرقه فتنه‌انگیزترین فرقه تاریخ اسلام بوده و همچنان نیز نقش خود را به همان روال در قالب وهابیت و سلفیه ایفا می‌کند. آنان قائل به جبر و تشبیه و توصیف خداوند متعال و کفر ابوطالب پدر بزرگوار علی(ع) بوده و او را لعن می‌کنند. همچنین، به ظاهر احادیث توجه داشته و درباره عصمت انبیا برخلاف اصول شریعت قائل به جواز ارتکاب گناه کبیره توسط انبیا هستند.

در حال حاضر، یکی نیز از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت و با دامن زدن به اختلافات مذهبی عملاً با اقدامات تروریستی در مسیر منافع غربی‌ها گام برمی‌دارد.

- مذهب شافعی

شافعی می‌گوید: «اصل الفرض قتال المشركين حتى يؤمنوا او يعطوا الجزیه» (وهبه الزحیلی، ۱۴۱۸: ۱۳۰).

به صورت اصل، جنگ با مشرکان واجب است تا اینکه ایمان بیاورند یا مالیات جزیه بپردازند. (البته این به معنای پذیرش تکفیر مسلمین از سوی آنان نیست؛ زیرا برادر برادرکشی نمی‌کند.) نکته مهم و قابل توجه در واکنش اهل تسنن به اقدامات تروریستی از جمله گروه معاند اسلامی به نام جیش العدل، درحالی‌که این گروه خود را حامی اهل تسنن می‌دانند، اما بسیاری از اهل تسنن به اقدامات تروریستی آنها معترض هستند. (بر همین اساس، عابد فتاحی رئیس فراکسیون اهل سنت وقت مجلس شورای اسلامی، به این اقدام جیش العدل در ربودن مرزبانان ایرانی واکنش نشان داده و اظهار کرد. جیش العدل نه تنها اهل سنت بلکه مسلمان هم نیستند. ما نمایندگان اهل سنت از نیروهای مسلح می‌خواهیم گروهک تروریستی جیش العدل را حتی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

در خاک کشور همسایه پاکستان سرکوب و از بین ببرد. این گونه گروه‌ها که با اقدامات خود به دنبال تفرقه میان شیعه و سنی هستند، مسلمان نیستند.)
البته تعدادی از فقیهان شیعه نیز به اصالت جنگ با کافران قائل هستند که به معنای روا داشتن تکفیر از طرف شیعه نخواهد بود.

ب) ادله قائلین به وجوب جهاد

۱. **آیات جهاد:** این عده به آیات جهاد در قرآن اشاره می‌کنند و اینکه قرآن جهاد را بر همه مسلمانان واجب شمرده و کسانی را که از جهاد روی برمی‌گردانند، به شدت نکوهش کرده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۸: ۳۷۹). به استناد آیه ۹ سوره توبه (این آیه به طور مطلق دلالت بر وجوب جهاد می‌کند) می‌گویند:
«اصل در رابطه دولت اسلامی با دولت غیراسلامی جنگ است، نه صلح و این حق دولت اسلامی است که با آنان مبارزه کند و از این جهت فقیهان دولت‌های غیرمسلمان را «دارالحرب» نامیده‌اند و صلح نخواهد بود یا به وسیله امان (پیمان یا ذمه) یا ایمان (اسلام) (یاسر ابوشبانه: ۶۲۱-۶۲۲).

علامه حلی نیز از این آیه بر وجوب جنگ هر یک سال یک بار استفاده می‌کند؛ زیرا موضوع آن پشت سر گذاشتن ماه‌های حرام است و در هر سال یک بار اتفاق می‌افتد (حلی، ۱۴۱۴: ج ۹، ۳۵۲).

رد دلیل نخست: هیچ‌گاه یک آیه قرآن بدون ملاحظه آیات دیگر نمی‌تواند مستند حکم شرعی مهم باشد. آیات قرآن دارای عام و خاص، مطلق و مقید هستند. آیات جنگ و جهاد و آیات بی‌شمار دیگر همراه با دلیل و علت است؛ بنابراین، آیاتی که به صورت مطلق درباره جنگ آمده به آیات مقید که می‌گویند مناط قتال و محاربه این است که دشمنی با اسلام و مسلمانان صورت پذیرد، تقیید می‌خورد. این آیه از جمله آیات مقید است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتلونكم و لا تعتدوا إِنَّ اللَّهَ لا يحبُّ المعتدین.» (سوره بقره، ۱۹۰)

روشن است که سیاق این آیه درباره جنگ میان مسلمانان و غیرمسلمانان است و در این آیه آمده که انگیزه و باعث بر جنگ با غیرمسلمانان وقوع «اعتدا» (یعنی تجاوز از حد نهی شده است. در واقع، مقصود از آیات این است که باید در مقام دفاع در برابر دشمن مقاتل و



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

مهاجم نیز عدالت را مراعات کرد.) (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۹: ۸۲) (الذین یقاتلونک) است و توصیه می‌کند که مسلمانان نباید ستم کنند (و لا تعتدوا).

در آیه دیگر نیز علت جنگ را وجود فتنه از سوی غیر مسلمانان می‌داند: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ...» (سوره بقره، ۱۹۳)

پس محرک اصلی در جنگ با غیرمسلمانان وجود فتنه است؛ بنابراین، اگر فتنه از سوی غیرمسلمانان وجود نداشته باشد، جنگ هم نخواهد بود. به دلیل ذیل آیه (فان انتهوا فلا عدوان الا علی الظالمین) افزون بر اینکه آیات متعددی درباره صلح و هم‌زیستی با غیرمسلمانان وارد شده است.

در این میان، ما شاهد پیمان‌های دوستی و صلح از ناحیه پیامبر(ص) و امام علی(ع) با غیرمسلمانان مثل مسیحیان هستیم. این پیمان‌نامه‌ها زمان قدرت آن دو بزرگوار با غیرمسلمانان بسته شده است، تا وقتی که این پیمان‌ها از سوی غیرمسلمانان رعایت می‌شد، هیچ تعرضی به آنان نمی‌شد. برای مثال، عهدنامه‌ای که میان حضرت علی(ع) و مسیحیان در دیر حرقلیل ذی اکفل نوشته شد که به درخواست و پیشنهاد گروهی از عالمان نصارا و چهل تن از بزرگان نصارا و زمان حکومت امام علی(ع) صورت پذیرفت، این پیشنهاد با استقبال شدید امام علی(ع) مواجه شد و حضرت به امیران و پیروان خود دستور اکید داد که از هر گونه آزار و ستم به آنان پرهیزند (عهدنامه حضرت علی(ع) با مسیحیان).

به بیان دیگر آیات جهاد، با آیات دال بر ترغیب و تشویق مسلمانان به ایجاد ارتباط و صلح با کفار و دوری از جنگ تعارض پیدا می‌کند. پس اگر نگوئیم حق تقدم با آیات صلح است یا باید قائل به تخییر رسول یا معصوم به صلح و جنگ می‌شدیم یا قائل به تسلط و رجوع به برائت از وجوب جهاد شویم.

۲. تنازع بقا: گروهی از متفکران اسلامی که به اصالت جنگ و نزاع معتقد هستند، می‌گویند: «باید جنگ و تنازع همواره در میان بشر باشد و اگر نباشد، رکود و سستی روی زمین را فرا خواهد گرفت و نسل بشر به عقب برخواهد گشت، ولی تنازع و و جنگ دائمی سبب می‌شود که نیرومندا بمانند و ضعیفان پایمال می‌شوند و از بین بروند و به این ترتیب انتخاب اصلح صورت می‌گیرد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۶۲).



رد دلیل دوم: این گروه کوشیده‌اند جنگ را به عنوان چیزی موافق طبع بشر قلمداد کنند و اصل تنازع بقا را که یکی از اصول چهارگانه داروین‌یسم است، دستاویز خود قرار داده‌اند، در حالی که اگر به فرض اصل تنازع بقا را درباره حیوانات درنده بپذیریم، هیچ ارتباطی به جهان انسانیت ندارد. انسان‌ها می‌توانند از طریق تعاون بقا و رقابت‌های سالم، همان‌گونه که در میدان صنایع و سیاست میان گروه‌ها و احزاب رقیب در دنیای امروز دیده می‌شود، به تکامل خویش ادامه دهند (رفعت‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۴۲-۱۴۳).

۳. روایت پیامبر اکرم (ص): دلیل دیگر این گروه که به اصالت جنگ و قتال با کافران قائل هستند، روایتی است که کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری از ابن عمر نقل کرده‌اند، این روایت بیشتر مورد استناد اهل تسنن قرار گرفته است: از فرزند عمر نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من مأمورم با مردم کارزار کنم، مگر اینکه به یکتایی خداوند و رسالت محمد (ص) پیامبر خدا گواهی بدهند و نماز به پا دارند و زکات پردازند. اگر این کار را انجام دهند، خون آنها و اموالشان از سوی من در امان است، مگر آنچه به عنوان حق اسلام بر آن لازم می‌آید و حساب آنان با خدا است (عبدالوهاب خلاف، السیامه الشرعیه و النظام الدوله الاسلامیه فی الشئون الدستوریه و الخارجیه و العالیه، ۶۶؛ یاسر ابوشبانه، النظام الدولی جدید، ۶۲۲؛ صحیح بخاری، ج ۱، ۹۴، ۱۳۱؛ صحیح مسلم، ج ۱، ۵۱، مسند حنبل، ج ۱، ۱۱، ج ۲، ۳۱۴).

رد دلیل سوم: استناد به این روایت برای اثبات «اصالت جنگ در اسلام» ناصواب است، چه اینکه به گفته تعدادی از نویسندگان، مقصود از «الناس» در روایت پیشین «مشرکان عرب» است؛ یعنی، همان کسانی که نقض عهد کردند و نهایت تلاش و مبارزه را بر ضد اسلام و دعوت اسلامی به کار بردند. بدین جهت در حق آنان، آیه ۵ سوره توبه نازل شده است: «پس چون ماه‌های حرام سپری شد، مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمین آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند، راه بر ایشان گشاده گردانید، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. بنابراین، هیچ‌گاه خطاب روایت مورد استناد متوجه اهل کتاب و مشرکان غیر عرب که خواهان روابط مسالمت‌آمیز و دوستی با مسلمانان هستند، نمی‌شود».



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۴۴

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

۴. **نکوهش دوستی با کافران:** دلیل دیگر این گروه در «اصالت جنگ با غیر مسلمانان» آیاتی است که مسلمانان را از دوستی با کافران نهی می‌کند که نباید آنان را در جایگاه «ولی» برگزینند؛ بنابراین، مسلمانان نباید با غیرمسلمانان پیمان‌های دوستی و روابط مسالمت‌آمیز داشته باشند که از جمله آن این است: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...» (سوره آل عمران، ۲۸)

رد دلیل چهارم: مورد آیه فوق در جایی است که دوستی، یاری و پیمان با آنان به ضرر مسلمانان باشد، اما دوستی با آنها به معنای رفتار مسالمت‌آمیز و معامله نیکو و تبادل منافع هیچ گونه معنی ندارد. چگونه دوستی با آنان ممنوع است، درحالی که خداوند متعال اجازه داده است مرد مسلمان با زن اهل کتاب (یهودی، مسیحی و زرتشتی) ازدواج کند؟! آیا در روابط میان زن و شوهر هیچ‌گونه موالات و دوستی وجود ندارد؟! قرآن کریم در سوره مائده آیه ۵ می‌فرماید: «امروز چیزهایی پاکیزه برای شما حلال شده و سعام کسانی که اهل کتاب هستند، برای شما حلال و طعام برای آنان حلال است و (بر شما حلال است ازدواج با ما) زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب (آسمانی) به آنان داده شده، به شرط آنکه مهرهای‌شان را به ایشان بدهید».

و نیز در آیه ۸ سوره ممتحنه خداوند رفتار مبتنی بر «بر» و «قسط» را با غیرمسلمانی که مرتکب قتل و اخراج مسلمانان نشده‌اند، سفارش کرده است.

۲. مواضع بزرگان و علمای جهان اسلام بر تکفیر در عصر حاضر

۱. **امام خمینی (ره):** آنچه هر انسان مسلمان و آزاده را آزار می‌دهد، فتوهای مخالف شرع و عقل است و صاحبان این فتاوا نمی‌دانند که خواسته یا ناخواسته در خدمت کسانی هستند که با ایجاد تفرقه میان مسلمانان هدفی جز نابودی اسلام ندارند.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون‌های فتنه و جاسوسی بدل شده‌اند که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان و اسلام امریکایی را ترویج می‌کنند و از طرف دیگر سر بر آستان سرور خویش امریکای جهان‌خوار می‌گذارند (صحیفه امام، ۱۳۶۱: ج ۲۱، ۸۰) و در



وصیت‌نامه سیاسی الهی خود می‌نویسند: «و می‌بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت‌های بی‌پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و محال تبلیغات مذهب ضد قرآنی می‌کند و وهابیت این مذهب سرپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند و مردم و ملت‌های غافل را سوق به سوی ابرقدرت‌ها می‌دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره‌برداری می‌کند.» (همو)

۲. آیت‌الله خامنه‌ای: ایشان می‌فرماید: «از نخست، وهابیت را برای ضربه زدن به وحدت اسلام و ایجاد پایگاهی — مثل اسرائیل — در بین جامعه مسلمان‌ها به وجود آوردند. همچنان که اسرائیل را برای اینکه پایگاهی علیه اسلام درست کنند، به وجود آوردند، حکومت وهابیت و این رؤسای نجد را به وجود آوردند تا داخل جامعه اسلامی، مرکز امنی داشته باشند که به خود وابسته باشد و می‌بینید هم که وابسته هستند. الان این سلاطینی که در بقعه‌الاسلام وهابی هستند، از اینکه به وابستگی و رفاقت و طرف‌داری خود از سیاست‌های دشمنان اسلام یعنی امریکا تصریح کنند، ابایی ندارند و آن را پوشیده نمی‌دارند. (Farsi. khamenei.ir)

(دشمنان اسلام) خوب فهمیدند که اگر در دنیای اسلام مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید. درست فهمیدند؛ بنابراین، از یک طرف گروه‌های تکفیری را به راه می‌اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل تسنن را هم تکفیر کنند. از آن طرف هم یک عده مزدور را به راه بیاندازند که برای این آتش هیمه فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند (<http://www.siasi.porsemani.ir/content, 1392/6/2>).

باید این سم را از محیط اسلامی خارج کرد. امروز کسانی هستند که سلاح‌شان تکفیر است. ابائی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم، اینها سم هستند (<http://www.siasi.porsemani.ir/content, 1390/7/20>).

۳. آیت‌الله فاضل لنکرانی (ره): آیت‌الله فاضل لنکرانی فرمودند: «برای همه آگاهان روشن است که وهابیت که به اتفاق همه گروه‌های مسلمانان از اسلام خارج و مولود کفر و یهود است، هیچ فلسفه وجودی به‌جز مخالفت با اسلام و قرآن و



ایجاد تفرقه میان مسلمانان ندارد. این گروه نه تنها به دنبال هدم مظاهر مقدس شیعه، بلکه درصدد از بین بردن همه آثار و مقدسات اسلامی، از جمله مرقد پیامبر(ص) است و روزی قرآن و کعبه مقدس را نشانه خواهند رفت» (۲۳/۳/۸۶، پیام معظم له به مناسبت تخریب مجدد حرمین شریفین عسکرین علیهم السلام).

۴. آیت الله مکارم شیرازی: بنابر نظر آیت الله مکارم شیرازی: «دشمنان اسلام وهابیون را برای تفرقه افکنی و سوءاستفاده از مسلمانان در منطقه بسیج کردند (<http://salaf.blogfa.com/post-406.aspx> به نقل از خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۶/۹/۵).

پیدایش فرقه وهابیت یکی از مشکلات و چالش های بزرگی است که دین مبین اسلام در طی تاریخ خود با آن روبه رو شده و به وسیله آن عقب افتاده است (بیانات معظم له در ابتدای درس خارج به مناسبت سالروز تخریب قبور ائمه بقیع، ۱۳۸۵/۸/۱۰).

۵. آیت الله صافی گلپایگانی: آیت الله صافی گلپایگانی می نویسد: «هنگامی که کتاب العواصم من القواصم را خواندم، از تلاش نویسنده آن برای تفرقه میان مسلمانان شگفت زده شدم و به حق سوگند به ذهنم خطور نمی کرد که در عصر حاضر یک مسلمانی برای دور کردن مسلمانان از همدیگر و ایجاد اختلاف میان آنان این چنین کوشش کند و همه مصلحان و منادیان وحدت را به نادانی و دروغ گویی و نفاق و حيله متهم سازد. بالاترین مصیبت اینجا است که این کتاب توسط دانشگاه بزرگ مدینه منوره چاپ و منتشر شده است». همچنین، در دیدار اعضای ستاد بازسازی عتبات عالیات فرمودند: «وهابیان نه تنها با اهل بیت پیامبر(ع) بلکه با شخص رسول الله(ص) دشمنی دارند و درصدد از بین بردن نام و تاریخ اسلام برآمده اند. یاد و نام ائمه اطهار(ع) از بین رفتنی نیست و آن چیزی که به زودی خاموش می شود، فتنه وهابیت در جهان است و تنها جنایت های آنها است که در تاریخ باقی می ماند ([http://www.aviny.com/occasion/jang-](http://www.aviny.com/occasion/jang-narm/vahabiat/nazareolama.aspx)).

۶. ابن بطوطه: ابن بطوطه از بزرگان اهل تسنن، جهان گرد نامی مراکشی در سفرنامه اش می نویسد: «در دمشق یکی از بزرگان فقهای حنبلی به نام ابن تیمیه را دیدم که در فنون



مختلف سخن می‌گوید، ولی عقل او سالم نبود» (رحله ابن بطوطه، ج ۱: ۵۷).

۷. شوکانی: می‌گوید: «اطلاق شیخ الاسلام به ابن تیمیه کفر است».

۸. محمد بخاری حنفی: متوفای سال ۸۴۱ در بدعت‌گذاری و تکفیر ابن تیمیه بی‌پرده سخن گفته است، تا آنجا که در مجلس خود تصریح کرده است که اگر کسی ابن تیمیه را «شیخ الاسلام» بداند، کافر است (بدرالطالع، ج ۲: ۲۶۰).

۹. ابن حجر مکی: ابن تیمیه را گمراه و گمراه‌گر می‌شمارد. ابن حجر مکی متوفای ۹۷۴، از دانشمندان بزرگ اهل تسنن، درباره ابن تیمیه می‌نویسد: «خدا او را خوار، گمراه، کور و کر گردانیده است و پیشوایان اهل تسنن و معاصران وی از شافعی‌ها، مالکی‌ها و حنفی‌ها بر فساد افکار و اقوال او تصریح دارند. سخنان ابن تیمیه فاقد ارزش بوده و او فردی بدعت‌گذار، گمراه، گمراه‌گر و غیرمعتدل است. خداوند با او به عدالت خود رفتار کند و ما را از شر عقیده و راه و رسم وی حفظ کند» (الفتاوی الحدیثه: ۸۶).

۱۰. قاضی شافعی: پیروان ابن تیمیه را مهدورالدم می‌داند. ابن حجر عسقلانی متوفای ۸۵۲ و شوکانی متوفای ۱۲۵۵، دو تن از عالمان بزرگ اهل تسنن می‌نویسند: «قاضی شافعی دمشق دستور داد که در دمشق اعلام کنند که هر کس معتقد به عقاید ابن تیمیه باشد، خون و مالش حلال است» (الدرر الکامنه، ج ۱: ۱۴۷؛ البدر الطالع، ج ۱: ۶۷ و مرآه الجنان، ج ۲: ۲۴۲).

۱۱. حصنی دمشقی: ابن تیمیه را زندیق می‌داند. حصنی دمشقی می‌نویسد: «ابن تیمیه‌ای را که دریای علم توصیف می‌کنند، برخی از پیشوایان او را زندیق (ملحد) مطلق می‌شمارند. علت گفتار بعضی پیشوایان هم این است که تمام آثار علمی ابن تیمیه را بررسی کرده و به اعتقاد صحیحی برنخورده است؛ مگر اینکه وی در موارد متعدد برخی مسلمانان را تکفیر می‌کند و برخی دیگر را گمراه می‌داند».

با اینکه کتاب‌های وی آمیخته به تشبیه حق به مخلوقات و تجسیم ذات باری تعالی و همچنین جسارت به ساحت مقدس پیامبر(ص) و شیخین و تکفیر عبدالله بن عباس است. وی ابن عباس را ملحد و عبدالله عمر را مجرم، گمراه و بدعت‌گذار می‌داند. این سخنان ناروا را در کتاب الصراط المستقیم خود بیان کرده است. حصنی دمشقی در جای دیگر می‌نویسد: «ابن تیمیه گفته است که هر کس به مرده یا فرد دور از نظر استغاثه کند، ظالم، گمراه و مشرک

است. از این سخن ابن تیمیه، بدن انسان می لرزد. این سخن پیش از زندیق حرّان، ابن تیمیه از دهان کسی در هیچ زمان و هیچ مکانی بیرون نیامده است. او مدعی شده است که حرمت و رسالت آن بزرگوار پس از رحلت از بین رفته است. این عقیده به یقین کفر و در واقع زندقه و نفاق است» (دفع الشبه عن الرسول، تحقیق جماعه من العلماء: ۱۲۵).

۱۲. سُبکی: ابن تیمیه را بدعت گذار می داند. سُبکی متوفای سال ۷۵۶ هجری، از دانشمندان پرآوازه اهل تسنن و معاصر درباره ابن تیمیه می نویسد: «او در پوشش پیروی از کتاب و سنت، در عقاید اسلامی بدعت گذاشت و ارکان اسلام را درهم شکست. او با اتفاق مسلمانان به مخالفت برخاست و سخنی گفت که لازمه آن جسمانی بودن خدا و مرکب بودن ذات او است، تا آنجا که ازلی بودن عالم را ملتزم شد و با این سخنان حتی از ۷۳ فرقه نیز بیرون رفت» (طبقات الشافعیه، ج ۹: ۲۵۳؛ السیف الصقیل: ۱۷۷ و الدرّه المضيئه فی الردّ علی ابن تیمیه: ۵).

۱۳. ابن حجر عسقلانی: نسبت نفاق به ابن تیمیه می دهد و می نویسد: «بزرگان اهل تسنن درباره ابن تیمیه نظریه های مختلفی دارند. بعضی معتقدند که وی قائل به تجسیم است؛ زیرا او در کتاب العقیده الحمویّه برای خداوند تعالی دست و پا، ساق پا و صورت تصور کرده است. بعضی به سبب مخالفت او با توسل و استغاثه به رسول اکرم (ص) که این نیز تنقیص مقام نبوت و مخالفت با عظمت حضرت به حساب می آید، وی را زندیق و بی دین دانسته اند. بعضی به جهت سخنان زشتی که درباره علی (ع) بیان داشته وی را منافق دانسته اند. چون پیامبر (ص) به علی (ع) فرموده است که جز منافق کسی تو را دشمن نمی دارد» (الدرر الکامنه فی أعیان المائه الثامنه، ج ۱: ۱۵۵).

۱۴. ذهبی: پیروان ابن تیمیه را بیگانه، فرومایه و مکار می داند. دانشمند بلندآوازه اهل تسنن که خود همانند ابن تیمیه حنبلی مذهب بود و در علم حدیث و رجال سرآمد عصر خویش بود، در نامه ای خطاب به وی می نویسد: «ای بی چاره! آنان که از تو متابعت می کنند، در پرتگاه زندقه و کفر و نابودی قرار دارند. نه این است که عمده پیروان تو عقب مانده، گوشه گیر، سبک عقل، عوام، دروغ گو، کودن، بیگانه، فرومایه، مکار، خشک، ظاهرالصلاح و فاقد فهم هستند. اگر سخن مراقبول نداری، آنان را امتحان کن و با مقیاس عدالت بسنج». تا آنجا که می نویسد: «گمان نمی کنم تو سخن



مرا قبول کنی» (الإعلان بالتوبیخ: ۷۷ و تکمله السیف الصقیل: ۲۱۸).

۱۵. احمد الطیب، رئیس الازهر: ایشان علمای تکفیری را از نتیجه فتوهایشان بر حذر داشت. وی طی سخنانی که از تلویزیون مصر پخش شد اظهار داشت: «تکفیر حق خدای متعال است، نه حق بندگان؛ بنابراین، دلیل تکفیر باید قطعی و با تکیه بر مبانی صریح دینی باشد نه همراه با تأویل و تفسیر».

ایشان همچنین حکم به تکفیر افراد معین را فقط در اختیار اولی الامر و قضات مسلمان دانست و گفت: «تکفیر باید بر اساس حکم قضایی باشد. به عنوان مثال، قاضی با علم به فتوایش کسی را که اصلی از اصول اسلامی را عمداً و بدون اضطرار رد کرده است، تکفیر می کند».

وی پیش از این، پدیده تکفیر را فتنه‌ای کور و فاجعه‌ای بزرگ در امت اسلامی قلمداد کرد. شیخ الازهر با محکوم کردن مفتی‌های تکفیری و شیوخی که با فتوا به تکفیر مسلمانان جوانان را به مبارزه دعوت می‌کنند، این‌گونه افراد را مخلد در آتش جهنم دانست و گفت: «مسلمان بودن آنان مانع از ورود ابدی آنها به جهنم نمی‌شود».

احمد الطیب آیه شریفه ۹۳ سوره نساء (و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد، کیفر او جهنم است که در آن همواره خواهد بود و خدا بر او خشم گیرد و لعنتش کند و برایش عذابی بزرگ آماده سازد) را تمسک قرار داد و جوانان مسلمان را از دچار شدن به غضب خدا در اثر تبعیت از شیوخ تکفیری بر حذر داشت.

شیخ الازهر تأکید کرد که دین اسلام حتی ترساندن مردم را نیز حرام شمرده است و این روایت رسول خدا را نقل کرد: «مَنْ أَسَارَ عَلَيَّ أَخِيهِ بِحَدِيدَةٍ لَعَنَتْهُ الْمَلَائِكَةُ؛ کسی که با آهنی (سلاح، شمشیر) به برادر مسلمانش اشاره کند (به معنای تهدید)، مورد لعنت ملائکه قرار می‌گیرد» (http://al-mashhad.com, ۱۳۹۲/۱۰/۲۲).

۱۶. دارالافتای مصر: دارالافتای مصر یکی از مهم‌ترین نهادهای دینی اهل تسنن گروه داعش را مورد هجوم قرار داد و پیوستن به این جماعت را حرام اعلام کرد.

ابراهیم نجم گفت: «اقدامات جماعت داعش اعم از خونریزی و ویرانی که در سوریه و عراق و سایر کشورها مرتکب می‌شوند، در مسیر مصلحت دشمنان اسلام است و تنها ویرانی را برای کشورهای عربی و اسلامی در پی دارد و بهانه‌ای است برای دخالت‌های بیگانگان در این کشورها». وی افزود: «داعش و سایر گروه‌ها و سازمان‌های افراطی در استنباط از متن‌های



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۰

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

دینی گمراه شده‌اند و فهم ناقصشان از این متن‌ها را بهانه خونریزی‌های خویش ساخته و دستاویز صدور فتاویی قرار داده‌اند که روش تکفیری‌شان را پیش برند» (۱۳۹۳/۳/۲۵، سایت شمس‌الحرابه).

۱۷. سازمان اتحاد جهانی علمای مسلمین: ایشان با انتشار بیانیه‌ای اعلان تشکیل خلافت اسلامی از جانب داعش را شرعاً باطل اعلام کرد. این بیانیه همچنین از تمام گروه‌های اسلامی در جهان خواست که به مفاهیم اسلامی مانند مفهوم خلافت اسلامی که جایگاه والایی نزد مسلمانان دارند، احترام بگذارند (القرضاوی معتبر اعلان «الدوله الاسلامیه الخلافه» فی العراق «باطلا شرعاً»، ۱۳۹۳/۴/۱۴ <http://www.france24.com>).

احمد الریسونی، نایب رئیس اتحاد جهانی علمای مسلمان نیز طی سخنانی اظهار داشت: «در برهه‌ای از زمان که ملت‌های اسلامی تلاش می‌کنند تا از استبدادی که با شمشیر و تانک بر آنان حاکم شده آزاد شوند، دسته‌ای جدید از راه رسیده تا خلافتش را با زور شمشیر اعلان کند و خلیفه‌اش را با قدرت شمشیر نصب کند. وی با خرافات خواندن این خلافت اوضاع کنونی عراق را حاصل سلسله‌ای طولانی از فساد و دیکتاتوری دانست. از صدام حسین تا اشغال توسط امریکایی‌ها تا دولتی فرقه‌گرا که تحت حمایت ایران بوده است» (<http://www.qaradawi.net/new> ۱۳۹۳/۴/۱۱). خلافتی که با شمشیر بیاید و با شمشیر ما را مورد خطاب قرار دهد ره‌آوردی جز نکبت و شرارت برای امت نخواهد آورد (ترجمه شده توسط پایگاه اطلاع‌رسانی اصلاح).

۱۸. مفتی عربستان سعودی، عبدالعزیز آل‌الشیخ: او گفته است: «قتل نفس از گناهان کبیره است و کسانی که با این بهانه‌ها دست به خودکشی می‌زنند، مجرمانی هستند که برای سقوط در آتش جهنم تعجیل می‌کنند». وی همچنین کسانی را که دست به عملیات انتحاری می‌زنند، منحرف خواند و گفت: «اینها از راه راست خارج شده‌اند و افکار و عقولشان به شر و فساد دچار شده و دیگر توانایی تمیز بین حق و باطل را ندارند». عبدالعزیز آل‌الشیخ این افراد را ابزار دست دشمنان اسلام توصیف کرد که جوانان مسلمان را منحرف می‌سازند و هر روز عده‌ای از مردم را مورد هجوم قرار می‌دهند (<http://souriapress.com>, ۱۳۹۲/۹/۲۱).

مفتی وهابیت در گفت‌وگو با سایت خبری الحیات ضمن محکوم کردن عملیات تروریستی در مصر کسانی را که دست به چنین عملیاتی می‌زنند، مزدورهای بی‌خوابی خواند که



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

فریب خورده‌اند و چیزی از اسلام نمی‌دانند و با این کار امت اسلامی را تخریب می‌کنند
(<http://alhayat.com> ۱۳۹۲/۱۰/۸).

۱۹. دکتر مجدی عاشور: مشاور آکادمیک مفتی مصر از تأسیس هیئتی علمی در مصر به دستور مفتی این کشور خبر داد که با نام «مرصد التکفیر» به رصد افکار و فتاوی تکفیری و مقابله با اینها می‌پردازد.

وی در این باره اظهار داشت: «در دوران اخیر فتوایی صادر شده‌اند که ماهیت سیاسی دارند و همین امر باعث شده است که مفتی مصر «مرصد التکفیر» را تأسیس کند تا با رصد تمام نظریات و فتاوی مرتبط با تکفیر، خونریزی و افراط‌گرایی به مقابله علمی با آنها بپردازد.

مجدی عاشور در گفت‌وگو با مجری برنامه الحدث المصری اعلام کرد: «تا کنون بیش از ۱۵۰ فتوای تکفیری رصد شده است». وی با تأکید بر لزوم کنترل فتوای شرعی، فتوای تکفیری را باعث ایجاد هرج و مرج و خونریزی دانست و صاحبان این فتاوا را تشنگان شهرت و قدرت دانست که مصالح شخصی را بر مصلحت شهروندان یک کشور ترجیح می‌دهند و از لحاظ علمی و عقلی دچار ضعف هستند؛ زیرا از خطرهای احکامی که صادر می‌کنند آگاهی ندارند و تکفیر را درگاهی برای کشتار و فساد فی الارض قرار می‌دهند (<http://al-mashhad.com> ۱۳۹۲/۱۲/۲۷).

۲۰. عاصم البرقاوی: ملقب به ابو محمد المقدسی یکی از تأثیرگذارترین رهبران گروه‌های به اصطلاح جهادی است. او طی ماه‌های گذشته با صدور بیانیه‌هایی از داخل زندان، جریان داعش را محکوم کرد و از جبهه النصره و سایر گروه‌های تروریستی حمایت کرده است (<http://www.raialyoum.com> ۱۳۹۳/۳/۲۷). اعلان تشکیل خلافت اسلامی از جانب داعش در عراق باعث شد که مقدسی سکوتش را بشکند: «اعلان تشکیل خلافت اسلامی از جانب داعش تنها برای خونریزی است و ما به عقلانیت کسانی که در این گروه (داعش) سلاح به دست گرفته‌اند، اعتمادی نداریم». در پایان بیانیه‌اش، جماعت داعش را تهدید کرده است که اگر از کشتار مسلمانان (سایر گروه‌های تکفیری) و تشویه صورت اسلام دست برندارند، با برنده‌ترین زبان و براهین به مقابله با آنها خواهد پرداخت (۲۰۱۴/۷/۲، سایت رأی الیوم).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعیت دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۲

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

۲۱. **علی جمعه (مفتی سابق مصر):** تکفیر شیعیان جایز نیست و تکفیری‌ها، خوارج قاتل، فاسق، مفسد و جنایتکار هستند. وی تروریست‌های تکفیری داعش و گروه‌های دیگر را خوارجی توصیف کرد که با اقدامات جنایتکارانه خود چهره اسلام را مخدوش می‌کنند؛ خوارجی که قاتل، فاسق، مفسد و جنایتکار هستند.

ایشان خاطر نشان کردند: «سرکردگان داعش هیچ چیزی از حقیقت اسلام و فقه شریعت نمی‌فهمند. آنها افکار افراطی دارند که خون مردم را در پوشش اسلام می‌ریزند و نظر دشمنان اسلام را درباره اسلام اعمال می‌کنند» (<http://www.tabnak.ir/fa/news/454046>).

۲۲. **محمد بن علوی مالکی:** ایشان در یکی از کتاب‌هایش می‌نویسد: «ما به کسانی مبتلا شده‌ایم که در توزیع کفر و شرک و صادر کردن احکام با القاب و اوصاف غیر صحیح تخصص دارند. اوصافی که لایق مسلمان شهادت‌دهنده به توحید و نبوت پیامبر اسلام نیست، مثل اینکه برخی از آنان به افرادی که مخالف خود در رأی و مذهب هستند، عنوان تحریف‌کننده... دجال... شعبده‌باز... بدعت‌گذار و در آخر مشرک... و کافر را اطلاق می‌کنند. این گونه از برخی سفیهان می‌شنویم که به صورت گسترده امثال این دشنام‌ها و فحش‌ها و الفاظ قبیح را به کار می‌برند. الفاظی که تنها از افراد کوچک و بازار صادر می‌شود، کسانی که اسلوب دعوت و طریقه ادب در مباحثه را به‌خوبی نمی‌دانند». جالب است که علمای اهل تسنن تندروی‌های وهابیت را عاملی برای گسترش تشیع در جهان اسلام می‌دانند ([HTTP://WWW.MASHREGHNEWS.\(IR/FA/NEWS/26478](http://WWW.MASHREGHNEWS.(IR/FA/NEWS/26478)).

۲۳. **حسن بن فرحان مالکی:** از علمای سنی و از مخالفان وهابیت به شمار می‌رود و می‌گوید: «... زود است که غلو سلفی‌ها از بزرگ‌ترین اموری شود که باعث انتقال سریع اهل تسنن به سوی شیعه شود، مگر آنکه عقلای سلفی به فکر چاره برآمده و غلو و تندروی خود را از درون نقد کنند. غلوی که در وجود احادیث ضعیف و جعلی برای تأیید مذهب و تکفیر مخالفان مذهب و روش سلفی پدیدار شده است. همچون تکفیر ابی حنیفه، احناف و تکفیر شیعه و معتزله...» (مجله خبری مشرق نیوز).

۲۴. **شیخ جمیل صدقی زهاوی:** می‌گوید: «خداوند وهابیت را بکشد؛ زیرا این فرقه به خود جرئت داده که همه مسلمانان را تکفیر کند. گویا هم و هدف بزرگ آن فقط تکفیر



کردن است و بس» (HTTP://WWW.MASHREGHNEWS.IR/FA/NEWS/264578).

براساس سخنان بالا، با ریشه‌یابی علل اضلال و گمراه ساختن از ناحیه خداوند یعنی همان قطع هدایت، دریافتیم اگر کسی هدایت تشریحی را نپذیرفت و خواهان هدایت الهی نبود، خداوند نیز بنا به خواست خود او هدایت تکوینی خود را برای او نمی‌فرستد و اگر هدایت تکوینی الهی فرستاده نشود، شخص گمراه به حال خود رها می‌شود و مانند مریضی که خود نسخه درمان پزشک را پاره کند، روز به روز بر مرض و گمراهی او افزوده می‌شود. بر همین اساس، خدای سبحان درباره منافقان می‌فرماید: «فی قلوبهم مرض فزادتهم الله مرضا». (سوره بقره، ۱۰) یعنی آنها مرض و گمراهی ابتدایی دارند که آن را با اراده خود اختیار کرده‌اند و خداوند نیز آنها را بعد از امهال و امتحان رها می‌کند و نتیجه‌رهایی آنان جز شدت یافتن مرض چیزی نخواهد بود (بنابراین، دریافتیم گروه‌های معارض و معاند اسلام خود دست به قطع هدایت خویش زدند و راهی برای هدایت خویش باز نگذاشته‌اند). پس وقتی هدایت الهی به کسی داده نشد، نه عقل و دل او شکوفا می‌شود و نه پیغام پیام‌آوران الهی را می‌شنود (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۹۸-۱۹۶).

خدای سبحان خطاب به شیطان می‌فرماید: «تو بر بندگان من سلطنت نداری، مگر آن انسان‌های گمراهی که از تو تبعیت و پیروی کنند». «ان عبادی لیس لک علیهم سلطان الا من اتبعک من الغاوین» (سوره حجر، ۴۲) در جای دیگر می‌فرماید: «انما سلطانه علی الذین یتولونه» (سوره نحل، ۱۰۰). یعنی تسلط شیطان بر کسانی است که ولایت و سرپرستی او را پذیرفته باشند و با پیروی از وسوسه‌های او تحت ولایتش قرار گرفته باشند و پس از مدتی خود «شیطان انسی» می‌شوند و به جایی می‌رسند که راهی برای بازگشت آنان نمی‌ماند و این سلب اختیار و «امتناع بالاختیار» با اصل اختیار منافاتی ندارد و سبب جبر نمی‌شود؛ زیرا چنین بشری با اختیار اولیه‌اش به راهی رفته که در پایان کار، اختیاری برای او نمی‌ماند و این بی‌اختیاری پایانی به سبب همان انتخاب و اختیار آزادانه ابتدایی او است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۰۸).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

نتیجه‌گیری

در فرایند شکل‌گیری فرقه‌های کلامی، خوارج نخستین گروه جزم‌اندیش در جهان اسلام، دوباره بحث کفر و ایمان را وارد حوزهٔ مباحث کلامی کردند. خوارج برخلاف قرآن، بحث کفر و ایمان را به متن جامعه دینی کشاندند و کسانی را که مرتکب گناه کبیره می‌شوند، کافر دانستند. به این گونه بود که بحث کفر و ایمان تحریف و به شمشیری علیه مسلمانان تبدیل شد و کم‌کم به نسل‌های بعد هم منتقل شد. می‌توان گفت که امروزه داعش آخرین میراث بران این گروه هستند.

ابن تیمیه برخلاف قرآن که می‌فرماید: «کسی که به شما اظهار اسلام می‌کند، به طمع غارت اموالش نگویند که مؤمن نیستی و کافری»؛ درباره مغول که بعد از حمله به اسلام به تدریج اسلام آورده بودند حکم به کفر داد و کارخانه تکفیرسازی را برای نسل‌های بعد از خود به ارث گذاشت. بعدها در جهان اسلام کسانی مانند سید قطب، عبدالسلام فرج، عبدالله عزام و غیره پیدا شدند که مسیر ابن تیمیه را پیمودند و در شرایط جدید حیطهٔ کفر را بیش از حد گسترده کردند و از طرف دیگر بحث عنادورزی طرف مقابل را کنار گذاشتند و عامل تهدید و جهاد را ابزار گسترش دین تلقی کردند و در عمل نیز همین ایدهٔ افراطی را پیمودند و دین رحمت و محبت را که پیامبر(ص) با تکیه بر آن، هل الدین الا الحب سخت‌ترین دشمنان اسلام را به سوی اسلام متمایل کرده بود، به دین تهدید و خشونت متهم ساختند.

بیش‌تر دشمنی‌ها و کشتار این گروه‌های معارض، فقط غرض‌ورزی شخصی است، نه کشف حقیقت و آیات الهی. برنامه رهبری تکفیری‌ها تاکنون نابود کردن تفکر بزرگان اهل تسنن است. این رهبران قصد دارند ابتدا بزرگان اهل تسنن را نابود و مقامشان را نزد دیگران خراب کنند و خود جایگزین آنان شوند، سپس نابودی اهل شیعه و بزرگان آن در دستور کار آنها است.

اوج چنین برداشت خطا از اسلام در عرصه نظر و بیشتر در حیطهٔ عمل به وسیلهٔ القاعده در دو سه دهه اخیر پیگیری شد که در واقع داعش افراطی‌ترین شاخه چنین سازمانی، خشونت‌های وحشیانه خود را با چنان توهماتی به نام دین توجیه می‌کند. بنابراین، بیان می‌کنیم که علمای اهل تسنن و شیعه همه اتفاق نظر دارند که کار چنین تکفیری خارج از مبانی اسلامی و مضر به حال مسلمانان است و همه مسلمانان باید علیه چنین توطئه‌ای که



جامعه اسلامی را دچار مشکلات کرده است، اقدامی مناسب کنند.
تحركات تکفیری انحرافی و عملیات جنگی گروه‌های معارض اسلامی توطئه‌ای است از
سوی بیگانگان که هدف اصلی آن ایجاد تفرقه بین مسلمانان و زشت جلوه دادن چهره اسلام
با کارهای وحشیانه‌ای است که هیچ‌گاه در تاریخ سابقه نداشته است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

کتابنامه

قرآن کریم

پاکتچی، احمد؛ هوشنگی، حسن (۱۳۹۰)، *بنیادگرایی و سلفیه*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰)، *حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.

جمالی، جواد: (۱۳۸۹)، *افراطی‌گری در پاکستان*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور. جمعی از پدیدآورندگان (۱۳۸۹)، *کتاب آسیا ۵ ویژه مسائل پاکستان*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *قرآن در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول. حسن، مشیر (۱۳۶۷)، *جنبش اسلامی و گرایش‌های قومی در مستعمره هند*، (حسن لاهوتی)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۴)، *تذکره الفقهاء*، قم: مؤسسه آل‌البیت.

خامنه‌ای، سیدعلی بن جواد حسینی (۱۳۸۸)، *مکتوبات*، پیام به حجاج بیت‌الحرام.

خان احمدلو، سمانه (۱۳۸۴)، *از سلفیه تا وهابیت*، انتشارات باشگاه اندیشه، چاپ اول.

رشید، احمد (۱۳۷۹)، *طالبان، نفت و بازی بزرگ جدید*، (اسدالله شغابی و صادق باقری)، تهران: دانش هستی.

رفعت‌نژاد، محمدتقی (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر جنگ و صلح در قرآن»، *دوفصلنامه صحیفه مبین*، ش ۴۶، صص ۱۳۳ - ۱۷۴.

روزنامه اللواء، شماره ۱۶۶۲، ۲۲ حزیران.

سبحانی (۱۳۸۸)، *وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی*، مؤسسه امام صادق (ع)، چهارم.

صافی، قاسم (۱۳۶۶)، *سفرنامه پاکستان*، تهران: کلمه، چاپ اول.

صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، جلد‌های ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۰ و ۱۶، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات شرکت سهامی.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۵)، *اسلام و حقوق بین‌الملل*، تهران: گنج دانش.

طبرسی (۱۴۱۵)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.

طوسی، ابو جعفر (۱۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، (محمد بن حسن)، تهران: المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا، ج ۲، ص ۲.

علیزاده موسوی، سیدمهدی (۱۳۸۹)، *سلفی‌گری و وهابیت*، جلد اول، قم: تبارشناسی، یاداندیشه.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۸)، *فقه سیاسی*، دوره سه‌جلدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.

فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی پاکستان تغییر و تحول*، تهران: وزارت امور خارجه.

فلاح‌زاده، محمدهادی (۱۳۸۵)، *آشنایی با کشور اسلامی پاکستان*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۷۹)، *اصول کافی*، جلد‌های ۵-۲، (محمد باقر کمره‌ای)، تهران و قم: اسوه، چاپ چهارم.

کاشف‌الغطاء، محمد حسین (۱۳۵۹ش)، *تحریر‌المجله*، قم: مکتبه فیروزآبادی، بی‌تا.
گروهی از نویسندگان تحت اشراف؛ عبدالغنی عماد (۲۰۱۳)، *الحركات الاسلاميه في الوطن العربي*، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربيه، چاپ اول.

محمدی، محمدکاظم (۱۳۶۸)، *سیمای پاکستان*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
منتظری نجف‌آبادی، حسین‌علی (۱۴۲۹)، *مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر*، قم: ارغوان دانش، چاپ اول.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، *پیام قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نمازی، علی (۱۳۸۶)، «تروریسم از دیدگاه فقه و حقوق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مشهد.

نوروزی، حسین (۱۳۸۲)، *برآورد استراتژیک پاکستان*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار ایران.

سایت‌ها

دار الإفتاء: رصدنا أكثر من ۱۵۰ فتوی تکفیریه، ۲۷/۱۲/۱۳۹۲، <http://al-mashhad.com>

قبر زوجه المقدسی ملاذہ الأول بعد الإفراج عنه: صمت وقله کلام فی حضره مئات السلفین، ۱۳۹۳/۳/۲۷، <http://www.raialyoum.com>

۳. مفتی السعودیه - «الحیاه»: التفجیرات فی مصر أمر خطر ویدمر الأمه»، ۱۳۹۲/۱۰/۸، <http://alhayat.com>
۴. <http://www.siasi.porsemani.ir/content>، ۱۳۹۲/۶/۲۰

<http://al-mashhad.com>

خان احمدلو، سمانه، ۱۳۸۸/۱۱/۴، <http://www.al-shia.org/html/far/books/maqalat/adyan/41.htm>
مرکز جهانی اطلاع رسانی آل‌ال‌بیت.

<http://www.dinitaybad.blogfa.com/۱۳۹۳/۰۴/۲>

کنگره جهانی <http://www.makhateraltakfir.ir/fa/jaryanhaye%20takfiri/View/2006>

جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام.

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/264578>

خبرگزاری تابناک <http://www.tabnak.ir/fa/news/454046>

titre1.ir/fa/news/8901

www.avapress.com/vdcj8vei.uqehtzsfu.html

www.farhangemrooz.com/fa/News/4458

www.rah-nama.ir/fa/content/682



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۸

سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

آل الشيخ: المفجرون لأنفسهم بأحزمه ناسفه مجرمون عجلوا الى النار، ۱۳۹۲/۹/۲۱، <http://souriapress.com>،
 بیانات معظم له در ابتدای درس خارج به مناسبت سالروز تخریب قبور ائمه بقیع، ۱۳۸۵/۸/۱۰،
<http://www.aviny.com/occasion/jang-narm/vahabiat/nazareolama.aspx>
 پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، Farsi.khamenei.ir،
 علیرضا میرزایی، <http://www.erfan.ir/75371>،
 دار الإفتاء المصریه: داعش تنظیم مضرل ویشوه الإسلام والانتفاء له حرام»، ۲۵/۳/۱۳۹۳، سایت شمس الحریه.
 محمود شفیعی، «خشونت گرایی داعش: ترکیب ایمان و تکنیک بدون عقلانیت دینی»، سایت کنگره جهانی
 جریان های افراطی تکفیری قسمت نمایش یادداشت ها.
 عبدالله بن حسن القعود، خطب و محاضرات، نواقض الإسلام، <http://alqaoud.ne>،
<http://salaf.blogfa.com/post-406.aspx>، خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۶/۶/۵.
 سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید مهدی علیزاده موسوی، در بیان نقد جریان های سلفی و داعش،
 در مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س)، <http://modaresqom.whc.ir/news/view15001>،
 وبلاگ مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران.
 سیدعلی خامنه ای، «مهادنه (قرارداد ترک مخاصمه و آتش بس)»، بخشی از درس های خارج فقه مقام معظم
 رهبری، www.khamenei.ir؛ لغت نامه، مسلسل ۲۲۰، ص ۱۶۰.
 فیدیو، شیخ الأزهر يدعو المسلمین إلى تجنب إساءة الدماء، ۱۳۹۲/۱۰/۲۲، <http://al-mashhad.com>،
 القرضاوی يعتبر اعلان «الدولة الاسلامیة» الخلافه فی العراق «باطلا شرعا»، ۱۳۹۳/۴/۱۴،
<http://www.france24.com>
 لریسونی: إعلان قیام الخلافه «وهم وأضغاث أحلام»، ۱۳۹۳/۱۱/۴،
<http://www.qaradawi.net/new>،
 معاون رئیس جمهور عراق، در مصاحبه با شبکه پرس تی وی،
<http://www.presstv.ir/farsi/detail/1393/09/03/7546/maliki-noori-iraq-isil-Presstv>
 نظریه اساتید برجسته دانشگاه، استاد مرندی و متقی،
<http://www.terrorvictims.com/fa/index.php?Page=definition&UID=9171373>
 یادداشت احمد الریسونی، (ترجمه شده توسط پایگاه اطلاع رسانی اصلاح).

به این مقاله این گونه استناد کنید:

جعفری، حسن و بهرامی خوشکار، محمد (۱۳۹۳)، «جریان شناسی گروه های تکفیری انحرافی در اسلام»
 فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۳، پاییز، ص ص ۲۷-۶۰.



انجمن مطالعات جهان اسلام
 Islamic World Studies Association
 جمعية دراسات العالم الاسلامی
 فصلنامه علمی - پژوهشی
 پژوهش های سیاسی جهان اسلام

